

ذره بین

دستگیری عامل جنایت روستای سنگان



شهروند پسر جوان که در یک نزاع فامیلی، با اسلحه شکاری پدر و پسرری را به قتل رسانده و ۵ نفر را راهی بیمارستان کرده بود در عملیات پلیسی دستگیر شد.

عصر ۳۰ مردامه ماموران پلیس امامزاده داوود در جریان یک درگیری و نزاع دسته جمعی قرار گرفتند.

وقتی ماموران به «روستای سنگان» رفتند متوجه شدند ۵ نفر در یک نزاع دسته جمعی و بر اثر اصابت گلوله های شلیک شده از یک اسلحه شکاری، زخمی شدند.

با وجود انجام اقدامات درمانی، دو نفر از اعضای یک خانواده پدر ۶۵ ساله و پسر ۲۲ ساله به نام های مجتبی و مرتضی روی تخت بیمارستان جان باختند. با اعلام خبر مرگ این دو نفر به پلیس آگاهی و قاضی کشیک ویژه قتل دادرسی امور جنایی، پرونده مقدماتی با موضوع «قتل عمد» تشکیل شد و به دستور شعبه سوم بازپرسی دادرسی امور جنایی تهران، پرونده در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. بررسی ها نشان می داد که مجتبی پسر خاله پدر خانواده قاتل بوده اما به دلایل مختلف مابین اعضای اینها به دفعات متعدد نزاع و درگیری رخ می داده است. با بررسی صحنه جنایت مشخص شد که محل سکونت خانواده قاتل از لحاظ موقعیت مکانی در یک سرانشیبی قرار داشته و اعضای خانواده مقول با استفاده از همین موقعیت مکانی و قرار گرفتن در تفرغی بالاتر، اقدام به سنگ پرتابی به سمت محل سکونت خانواده قاتل کرده اند که قاتل به نام مهدی با ماشاده صحنه سنگ پرتابی، با اسلحه شکاری اقدام به شلیک چندین گلوله می کند که شلیک های پیاپی گلوله ۵ نفر را زخمی کرد و مرگ ۲ نفر را رقم زد. در شرایطی که قاتل به همراه دو برادر خود و همچنین پدرشان از محل متواری شده بودند، کارآگاهان اقدام به دستگیری پدر خانواده متهمان کردند. این در حالی بود که مهدی (متهم اصلی پرونده) همچنان متواری بود. سرانجام با انجام اقدامات گسترده پلیسی، مخفیگاه مهدی نیز در منطقه «رباط کریم» شناسایی و این متهم دستگیر و به اداره دهم منتقل شد. با توجه به اعتراف متهم اصلی پرونده به هر دو جنایت، قرار بازداشت موقت از سوی مقام محترم قضایی صادر شد و متهم جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

پایان گروگانگیری در ایرانشهر

ماموران انتظامی ایرانشهر در یک عملیات ضربتی موفق شدند گروگان را که از جنگل آذر باریان نجات دهند. در اوایل آذرماه، امسال گزارشی مبنی بر آدم ربایی در اختیار ماموران آگاهی ایرانشهر قرار گرفت و به دلیل حساسیت آن پرونده چند تیم از کارآگاهان زنده مامور رسیدگی به این موضوع شدند. با شناسایی محل اختفای گروگان که در ارتفاعات اطراف شهر بوده، تیم ویژه پلیس آگاهی شهرستان به محل اعزام و در یک عملیات ضربتی موفق شدند گروگان را آزاد کنند. این گروگانگیری به خاطر اختلافات مالی صورت گرفته بود و آذر باریان که با این عملیات پلیس غافلگیر شده بودند به سرعت از محل متواری شدند.

خارج از مرز

۳ برده دار انگلیسی دستگیر شدند

پلیس انگلیس ۳ کارفرمای کارخانه ای در شرق این کشور را به جرم برده داری از مهاجران اروپایی، دستگیر کرد. شبکه خبری پرس تی وی خبر داد پلیس انگلیس با یورش به کارخانه ای در حومه شهر «اچدیل» ۲۰ کارگر زنندگی شده توسط ۳ کارفرما آزاد کرد. این کارگران که از اروپای شرقی به انگلیس مهاجرت کرده بودند به دست این ۳ کارفرمای انگلیسی اسیر و با کمترین مزد ممکن به مدت ۸۰ ساعت در هفته مانند بردگان مشغول کار بودند. این ۲۰ کارگر زن و مرد بعد از آزادی توسط پلیس، از انواع سوختار و از راه به دست کارفرمایان خود، به پلیس گزارش دادند. روزنامه انگلیسی «سان دیلی» که محل اشتغال این افراد را «کارخانه برده» نامید، نوشت شغل این افراد تهیه عکس و فریم برای کارخانجات اصلی انگلیسی بود که در آمد میلیون پوندی برای این کارفرمایان داشته اما تنها اندکی از این پول به عنوان مزه به کارگاه داده شده است.

مرد ۳۵ ساله همدانی به ۴ بیمار فرصت تازه ای برای ادامه زندگی داد

پدیری که زندگی اش را بخشید



با همسر و عروس کم کاری خیلی سختی بود. می توانم بگویم آن روز بدترین روز زندگی ام بود. بهرام تنها پسرم بود. او همیشه به ما کمک می کرد و واقعا اعضای دست من و مادرش شده بود. در این میان از همه بیشتر دلم به حال فاطمه و زهرا دو نوه خردسالم سوخت که یتیم شده بودند. با هر حتمتی بود ماجرای مرگ مغزی بهرام را گفتم. غوغایی در خانه مان برپا شده بود و به سختی توانستم همسر و عروسم را آرام کنم. سرانجام همسرم و عروسم وقتی امیدشان را به برگشت بهرام از دست دادند، ضایشتان اعلام کردند و به من اختیار کامل دادند. «شهروند» گفت: «تصمیم گیری برایم سخت بود. از یک طرف دل کندن از فرزند سخت بود و از طرفی می دانستم اگر رضایت ندمم این چند نفر برای ادامه زندگی از بین خواهد رفت. سرانجام تصمیم را گرفتم و رضایتمانه ارضا کردم. پس از اعلام رضایت بهرام را با آمبولانس از همدان به بیمارستان سینای تهران منتقل کردند.» حرف های پیرمرد تمام شد و در همین

لحظه بود که خانم پیر و مادر با فرزند است. اعضای بیمارستان سینا وارد اتاق شد و اعلام کرد که قرار است بهرام را به اتاق عمل منتقل کنند.

آخرین دیدار

این آخرین دیدار پدر و مادر با فرزند است. مادر پاهایش توان قدم برداشتن ندارد. دست پدر را گرفته و به آرامی به طرف اتاق مراقبت های ویژه می رود. چند دقیقه بعد هر دو بالای سر فرزندشان بودند. صدای گریه های مادر داغ دیده فضای اتاق را پر کرده است. علی آقا که دیگر اشکی برایش باقی نمانده با صدایی لرزان می گوید: پسرم آن دنیا شفاعت ما را هم پیش خدایک. دکتر ساز دهقانی مسئول واحد فراموشی پیوند اعضا بیمارستان سینا به «شهروند» می گوید: «طبق نظر تیم های تخصصی بیمارستان مرگ مغزی مرد جوان تأیید شد و با انتقال وی به اتاق عمل پزشکان توانستند کلیه و قلب این فرد را به ۴ بیمار نیازمند پیوند زنده نمایند. کار خدایندانه چند بیمار فرصت تازه ای برای ادامه زندگی پیدا کردند.»

او در ادامه گفت: «فرزاد» آن روز پشت در اتاق مراقبت های ویژه چشم به بهرام دوخته بودم که کلی دستتگاه به او وصل بود. در همین لحظه بر سرتارها با عجله وارد اتاق شدند و بالای سر بهرام قرار گرفتند. نمی دانستم چه اتفاقی افتاده تا این که حدودا یک ساعت بعد پزشک بیمارستان من را صدا زد و گفت مغزی شده است. بهرام را به اتاق عمل بردند. یک ساعت بعد وقتی بهرام را از اتاق عمل بیرون آوردند و به اتاق مراقبت های ویژه بردند به سراغ پزشکش رفتم تا جوابی حالش شوم. پزشک بیمارستان گفت ضربه شدیدی به سرش وارد شده و آنها هر کاری از دستشان برآمده برایش انجام داده اند و حالا فقط باید دعا کنیم تا ضربیه هوشیاری اش بالا بیاید چرا که در غیر این صورت او دچار مرگ مغزی می شود.»

این مرد گوش های دختر جوان را برید تا اعتماد همسرش را جلب کند

۲ جنایت در پرونده یک قاتل

عدد گوش متعلق به انسان در داخل قوطی الکل قرار دارد. با توجه به کشف جسد زن ناشناسی که هر ۲ گوش آن بریده شده بود، کارآگاهان به تحقیق از متهم پرداخته و متهم که چاره ای جز اعتراف نداشت، به جنایت دوم نیز اعتراف کرد.

ماجرای اولین جنایت

این قاتل از ۴ مرد دامه امسال با به قتل رساندن یک راننده آژانس زندگی مخفیانه خود را آغاز کرده بود. با کشف جسد مردی در اتوبان و کشف خودرو پر اید او کارآگاهان موفق به شناسایی هویت قاتل به نام مجید ۲۴ ساله شدند که با فرار اختلاف مالی راننده خودرو و آژانس را به قتل رسانده و پا به فرار گذاشته بود.

اعترافات جدید

متهم پرونده که پس از به دست آمدن دلایل و مدارک به دست آمده از داخل مخفیگاهش از جمله کشف گوشی تلفن همراه دختر جوان چاره ای جز اعتراف نداشت، به کارآگاهان گفت: «حدودا چند ماه پیش با معصومه آشنا شدم و همین موضوع باعث شروع اختلافات شدید من با همسر و خانواده ام شد. روز جنایت با چاقو چند ضربه به گردن معصومه زدم و بسرای اثبات قطع ارتباطم با این دختر، تصمیم گرفتم تا گوش های معصومه را بریده و به خانه بیرم تا به همسرم نشان بدهم.»

سرسنگ کارآگاه آری حاجی زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اشاره به آغاز تحقیقات جهت شناسایی خانواده قربانی جنایت، در ادامه اعلام این خبر گفت: «با توجه به اعتراف متهم به هر ۲ جنایت، او با فرار بازداشت موقت در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و تحقیقات در خصوص صحت اظهارات متهم به ویژه در خصوص پرونده جنایت دوم ادامه دارد.»

مخفیگاه او را از جنایت دیگری بر ملا شد. کارآگاهان اداره دهم در زمان بازرسی مخفیگاه متهم در شهرک اندیشه به محتویات یک قوطی حاوی الکل مشکوک شدند. در بررسی های بیشتر مشخص شد که

شهروند مردی که متهم بود یک راننده آژانس را در شهرک ولیعصر به قتل رسانده است، پس از دستگیری به یک جنایت دیگر هم اعتراف کرد. این مرد گوش های قربانی اش را بریده بود تا اعتماد همسرش را جلب کند!

ساعات ۸ صبح روز ۲۳ آذر ماه خبر قتل عجیبی به کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر و در نزدیکی مرکز تعویض پلاک گزارش شد. با اعلام این جنایت بلافاصله قاضی بستان زاده بازپرس شعبه دوم دادرسی جنایی به همراه تیمی از کارآگاهان تخصصی صحنه جرم راهی محل جنایت شدند. با بررسی جسد مشخص شد، مقتول دختر جوانی بود که آثار ضربات چاقو روی گردنش دیده می شد. در تحقیقات بیشتر مشخص شد قاتل ۲ گوش و بینی قربانی اش را نیز بریده است. این در حالی بود که آثار سوختگی ضعیف روی لباس هایش هم دیده می شد.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «قتل عمد» کارآگاهان اداره آگاهی به دستور بازپرس شعبه دوم دادرسی ناحیه ۲۷ تهران، تحقیقات خود را برای شناسایی عامل این جنایت هولناک آغاز کردند.

یک قاتل و ۲ مقتول

کارآگاهان در شاخه های مختلف تحقیقات خود، موفق به دستگیری قاتلی شدند که چند ماه پیش یک راننده آژانس را در شهرک ولیعصر به قتل رسانده بود. با دستگیری این مرد هیچ کس تصور نمی کرد این مرد مرز قاتل همان دختر جوانی باشد که چند روز گذشته جسدش در پیاده رو پشت دیوار مرکز تعویض پلاک کشف شده است. او که از مرد دامه امسال با کشف جسد یک راننده آژانس در شهرک ولیعصر، مظنون شماره یک پلیس بود، حین تردد با یک خودرو پر اید در شهرک ولیعصر دستگیر شد. تا این که با بازرسی از

آذیر

درگیری نیروی انتظامی و قاچاقچیان مواد مخدر در کرمان



یک باند قاچاق مواد مخدر در این عملیات پلیسی کرمان متلاشی شد. سردار حسین چناریان از درگیری با یک باند قاچاق مواد مخدر در ساعت ۵ و ۲۰ دقیقه روز سه شنبه در حوالی محور بم - کرمان خبر داد و گفت: این باند از طریق مرزهای شرقی استان وارد کرمان شده بود که با اقدام مطلوب نیروی پلیس شناسایی شد و مورد ضرب و زخم قرار گرفت.

این مسئول از کشف و ضبط ۵۰۰ کیلوگرم مواد مخدر در این عملیات خبر داد و افزود: این باند برای هشتمین مرتبه در سال جاری با پلیس درگیر شده بود و این امر نشان می دهد که استان کرمان برای قاچاقچیان نامر بوده و نمی توانند محموله های قاچاق خود را از این خطه عبور دهند. سردار چناریان با اشاره به مسلح بودن این قاچاقچیان گفت: در این درگیری ۲ نفر از سوداگران مرگ به هلاکت رسیده و یک دستگاه خودرو، چندین قبضه اسلحه و مهمات کشف و ضبط شد. وی با اشاره به این که باندهای مسلح مواد مخدر در گذشته محموله های خود را تا استان اصفهان حمل می کردند، بیان داشت: پلیس در اکثر درگیری ها با سوداگران مرگ موفق عمل کرده و آنها را به هلاکت رسانده است.

عامل اسیدپاشی های اصفهان دستگیر نشده است

با گذشت ۴ ماه و نیم از جنایت های اسیدپاشی اصفهان و درحالی که در چند هفته اخیر پلیس اصفهان از بررسی ۱۷۰ فرضیه و ۱۰۰ مظنون خبر داده بود سردار احمدی مقدم در حاشیه گردهمایی بزرگداشت هفته پژوهش و تجلیل از برترین های حوزه علوم انتظامی امین، همچنان از دستگیری نشدن عامل اسیدپاشی های سریالی اصفهان خبر داد.

احمدی مقدم در پاسخ به پرسشی درباره دستگیری عامل اسیدپاشی های اصفهان و سرانجام این پرونده گفت: مطرح کردن سوالات زیاد در خصوص اسیدپاشی ها خودش با نوعی امنیت روانی جامعه را به خطر می اندازد اما در این مورد باید بگویم که ما هنوز نتوانستیم عامل اسیدپاشی اصفهان را دستگیر کنیم البته شهروندان باید را هم بدانند که در صدد کشف ماسبسیار بالاست و با توجه به این که جرم اسیدپاشی از جرایم تک شمار محسوب می شود، هر پرونده را تا زمان دستگیری عامل در اداره پلیس دنبال می کنیم و در این خصوص قدرت کشف مان ۹۰ درصد است.»

ادامه از صفحه ۲

حمل و نقل شهری و یک پدیده اجتماعی

پرسش این است که به رغم تمامی این تبعات منفی و نیز وجود قوانین روشن مبنی بر ممنوعیت حمل و نقل مسافران از طریق خودروهای شخصی، چرا این شغل رواج دارد؟ پاسخ روشن است، کمبود شغل و نیز کمبود درآمد از یک سو و علاقه ما به استفاده از حمل و نقل ارزان تر، هر کس که شغلی پیدا نکند و بتواند خودروی خود را کند می تواند در هر ساعت از شبانه روز و از هر نقطه شهر، کار مسافر کشی را آغاز کند و کسانی هم که درآمد ناشی از یک شغل کفاف زندگی آنان را نمی دهد و خودروی شخصی دارنند، در کنار استفاده شخصی از خودرو به حمل و نقل مسافر نیز می پردازند.

چرا مردم سوار این خودروها می شوند درحالی که می دانند خطرات خاصی خود را دارد؟ یک دلیل آن، احتمال ضعیف دانستن خطر برای خود است. ولی دلایل اقتصادی مهم تر است، فقدان و ضعف شبکه حمل و نقل عمومی شهری مثل اتوبوس و مترو... که یا در دسترس نیستند یا سرعت کافی ندارند یا مناطق مورد نظر را پوشش نمی دهند. استفاده از تاکسی هم از نظر مردم گران است و متناسب با جیب بسیاری از مردم نیست. علت دیگر آن، لرزان بودن نگهداری خودرو و افزایش نسبی قیمت آن یا حداقل عدم کاهش همین دلیل سال ها پیش هر کس پول داشت می توانست از خریدن یک خودرو ضمن حفظ نسبی ارزش پول خود، برای استفاده شخصی و نیز مسافر کشی از آن استفاده کند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت تا وقتی که در وضع اشتغال کشور تغییری رخ ندهد و درآمدها به حد کفایت نسبی نرسد و نگهداری خودرو نیز ارزان و به صرفه باشد و حمل و نقل عمومی با تحول قابل قبولی مواجه نشود، این فرآیند تغییر نخواهد کرد و هیچ دولتی نمی تواند مانع از کار این مسافر کش ها شود و هزینه های ناشی از آن که رویدادهای مجرمانه از قبیل سرقت و قتل است همچنان پایدار خواهند ماند. همچنین تا وقتی که مردم حاضر باشند خطرات ناشی از سوار شدن بر این خودروها را به قیمت سفری ارزان تر و راحت تر بخرند، این وضع ادامه خواهد داشت.